



دلاوران رزمنده خلق

یادی از رفیق سید بشیر بهمن

رفیق سید بشیر بهمن یکی از چهره های محبوب و سرشناس جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) بود. در زمانیکه محصل فاکولته حقوق بود، به «جرم» شعله ای بودن و فعالیت های سیاسی در سال 1347 دستگیر شد و روانه زندان قرون وسطائی دهمزنگ رژیم سلطنتی ظاهرشاه گردید. به چهار سال حبس محکوم شد. سید بشیر بهمن در زندان دهمزنگ حماسه ها آفرید و هیچگاهی تسلیم رژیم فرتوت ظاهرشاهی نگردید. بعد از سپری نمودن میعاد حبس، دوباره شامل فاکولته حقوق شد و تحصیل خویش را به انجام رسانیده و در وزارت عدلیه شامل کار شد.

سید بشیر بهمن بعد از رها شدن از حبس دوباره به فعالیت های مبارزاتی خویش آغاز نمود. مشارالیه در تمام میتنگ ها اعتصابات و تظاهرات جریان دموکراتیک نوین حضور فعال و موثر داشت و به حیث یکی از چهره های تابناک و درخشان جریان دموکراتیک نوین مبارزات سیاسی و انقلابی خویش را با دیگر همزمانش ادامه میداد. رنج و مشقت زندان ناشی از شکنجه های دژخیمان نظام سلطنتی ظاهرشاه ذره ای خلل در مقاومت، پایداری و استواری رفیق سید بشیر بهمن ایجاد نکرد بلکه آنرا چون کوه

بابا و هندوکش، مقاوم، پابرجا، استوار و جدی ساخت. رفیق سید بشیر بهمن مبارز نستوه، انقلابی رزمنده، شجاع، بالایمان و با صلابت پروالتری بود. از نگاهش قدرت، شهامت، دلیری و رزمندگی می بارید.

ویرای دوستان و همزمان شعله ای اش ایمان و نیرو می بخشید. موصوف دشمن آشتی ناپذیر طبقات ارتجاعی ستمگرو استعمارگر، باندهای آدمکش، جنایتکار و خیانت پیشه رویز یونیستهای خلقی پرچمی و برادران اخوانی شان و بادران امپریالیست و سوسیال امپریالیست آنها بود. سید بشیر بهمن نه تنهایی از مبارزین برجسته و انقلابی جریان دموکراتیک نوین بود بلکه یکی از چهره های سترگ و یکی از قهرمانان بزرگ ورزش زیبایی اندام در افغانستان نیز بود که به اخذ مدالهای قهرمانی نایل گردیده است.

رفیق سید بشیر بهمن تمام نیرو، انرژی و توان ورزشی خویش را در خدمت مبارزه با خطر نجات طبقات زحمتکش، رنجدیده و محروم قرار داد و منافع شخصی خویش را فدای منافع زحمتکشان نمود. رفیق سید بشیر بهمن بعد از فروکش جریان دموکراتیک نوین به حیث عضو کمیته مرکزی سازمان وطن پرستان واقعی افغانستان (ساو) به مبارزات انقلابی اش ادامه داد. مشارالیه از آغاز مبارزات انقلابی اش تا آخرین لحظه که اعدام گردید و به جاودانگی پیوست، به اندیشه های انقلابی وفادار ماند و به پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین ایمان داشت.

رفیق "سید بشیر بهمن بعد از کودتای ننگین و شوم هفت ثور با چهارتن از همزمان انقلابی اش دستگیر گردید و به تاریخ دوازده سرطان 1360 همراه همزنجیرانش اعدام گردید". سید بشیر بهمن چشمان و نگاه های نافذ داشت و دشمنانش تاب نگاه کردن به چشمان او را نداشتند و مثل برگ بخودی لرزیدند. او در زیر شکنجه های باند های آدمکش و جنایت کار خلقی- پرچمی در زندان حماسه آفرید و پشت شکنجه گران وطن فروش و بی وطن خلقی- پرچمی و بادران فاشیست شان را به لرزه در آورد. چنانکه دژخیمان ناله کنان به همدیگر میگفتند "چوب سرآب را هرچه میزنیم زیر نمی نشیند" و جلا د دیگری می گفت: "هر دفعه که از او سوال میکنیم به روی ماتف می اندازد". سید بشیر بهمن بار ها تأکید می کرد که اخوان ده بار سفاکتر و میهن فروش تر از خلقی ها و پرچمی هاست.

با دریغ و درد که رفیق سید بشیر بهمن فرزند انقلابی، با شهامت و دلاوری خلق های رنجدیده و مظلوم افغانستان که ایام جوانی و سراسر زندگی گران مایه و پربارش را در راه آزادی کارگران، رنجبران و زحمتکشان، نثار نمود از کنار مارت و به جاودانگی پیوست، اما روح مبارزاتی، جسارت، صلابت و دلاوری اش در روح و روان تمام انقلابیون واقعی

و مبارز که بخاطر انقلاب دموکراتیک نوین در افغانستان مبارزه می نمایند، جاری است و از استقامت، دلاوری و رزمندگی آن می آموزند و نیرو و توان میگیرند.

ننگ و نفرین ابدی بر باند های مزدور و جنایت کار خلقی-پرچی و بداران سوسیال امپریالیست شان باد! .
دفاع و یاد آوری از رزمندگان دلاور خلق مشقت کوبنده ایست بر دهان باندهای تبهکار، جانی و آدمکش خلق و پرچم که هنوز هم سنگ باصطلاح وطن پرستی (بخوان وطن فروشی) را در سینه می کوبند. دفاع از دلاوران خلق مشقت کوبنده دیگری است بر فرق تسلیم طلبان دیروزی و امروزی که بخاطر امتیاز گیری در خدمت دولت دست نشانده قرار گرفته و اکت دموکرات بودن می کنند. همچنان دفاع از دلاوران رزمنده خلق بخاطر آنست که خط مبارزاتی آنها را جهت پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین که با خون آنها گلگون شده است ادامه دهیم. اندیشه های والا، نجاتبخش و انسانی آن هارادر بین توده های ملیونی بیریم، آنرا در بین مردم تبلیغ و ترویج نمائیم و بخاطر تحقق بخشیدن آن مبارزه نمائیم. درود بی پایان به تمام رزمندگان دلاور خلق که در زیر شکنجه های جانفرس و فاشیستی وطن فروشان جان دادند اما ایمان پرولتری و مردمی خویش را از دست ندادند.

جادار دتسلیم، غم شریکی و خون شریکی خود را به تمام فامیل ها، بازماندگان، همزمان و همسنگران دلاوران رزمنده و تمام خلق در بند کشیده و مظلوم افغانستان که در شرایط بسیار وحشتناک در زیر چکمه های خون چکان امپریالیزم امریکا، قوای ناتو، دولت دست نشانده (متشکل از گروه های اخوانی، ملیشه ای، طالبی و سایر گروه ها و افراد ارتجاعی و میهن فروش) به سر می برند و از کوچکترین حقوق انسانی برخوردار نیستند. نه آب دارند، نه نان، نه دارو و سرپناه هر روز عده ای از آن ها بر اثر بمباردمان هوایی دولت دست نشانده، امپریالیزم امریکا و قوای ناتو از یکطرف و طالبان از طرف دیگر کشته، مجروح و معلول می شوند، ابراز نمایم.

دفاع از دلاوران رزمنده خلق و وظیفه تمام رهروان و رزمندگان انقلابی و راستین است. بیائید یکبار دیگر دست های مانرا با هم گره بزنیم و از تمام دلاوران رزمنده خلقهای افغانستان که در خط انقلابی رزمیده اند، بدون در نظر داشت تعلقات گروهی و سازمانی به دفاع بر خیزیم. این یکی از راهای است که جنبش انقلابی دموکراتیک نوین خلق افغانستان را دوباره نیرو و توان می بخشد و زمینه وحدت انقلابی تمام نیروهای انقلابی خلق افغانستان را تسریع می نماید. به امید آنروزی که همه نیروهای انقلابی راستین در یک حزب واحد انقلابی سراسری متشکل گردیده و بار دیگر مبارزات انقلابی شان را مانند سالهای 1347-1351 با قدرت چون بهمن و با سرعت چون آذرخش به پیش ببرند. (فوران)

در اخیر یک قطعه شعر رتبیل شاعر آزادیخواه و انقلابی و یک قطعه شعر از ناجیه بهمن همسر مبارز و آزا دیخواه رفیق سید بشیر بهمن رابه نشر می‌رسانیم :

عبور لحظه ها

در آن شب پر اضطراب و ظلمانی،
سکوت، بال سنگینش را،
بر سنیهای سنگفرش زندان می سایید.
جلاد (*) با سیمای هیبتناکش، می لرزید-
وز عبور لحظه ها، می ترسید.

زخم چرکین دو کتف ضحاک (**)
بوی گند می داد،
فضای قصرش آکنده از سم،
در قربانگاهش تنی چند،
ضحاک با هیکل وحشتناکش، می لرزید-
وز عبور لحظه ها، می ترسید.

آواز خشک کلید،
در گوش نخستن قفل پیچید،
درب آهنین سلول چرخید،
جلاد - این هیولای هول و هراس -
فریاد کشید:

"تهمتن کیست؟ بهمن کیست؟"

اسیری ز جا برخاست، و

بسان شیر غرید:

"منم گرد دوران، منم بهمن!"

صدای جلاد آهسته تر شد...

"بهمن! بیا بامن،

که ضحاکم تشنه‌ی خون است."

آواز خشک کلید،
در گوش ششمین قفل پیچید،
....

شعری را که به خاطر همسر مبارزم سید بشیر بهمن، در زندان سروده ام ، به دفتر " عبور لحظه ها " از برانرم کبیر توخی (پ . رتبیل) اهدا می نمایم.
ناجیه بهمن (20 دسمبر 2006)

آزمون...

گریختند، برقعته ی دار ،

سرم

ویا،

بنهند، به زیر دیوار ،

بیگرم

ویا،

با تیری آغشته به زهر،

بدوزند جگرم

با قامت افراخته ؛ چو سرو

با طاقت کوهواره ؛ چو " بهمن "

برهنه پای خونین،

نهاده ام بر دمی تیغ

من چه خوب از آزمون سرخ تاریخ ؛ می گذرم



ناجیه بهمن
زندانی (سنبله ۱۳۵۹)

یادداشت: درنگارش این مقاله ازسایت " اشعاردشنه گون " وسایت " پیام آزادی " استفاده شده است.